

# در کشور دموکراسی است یا سلطه‌گرایی؟

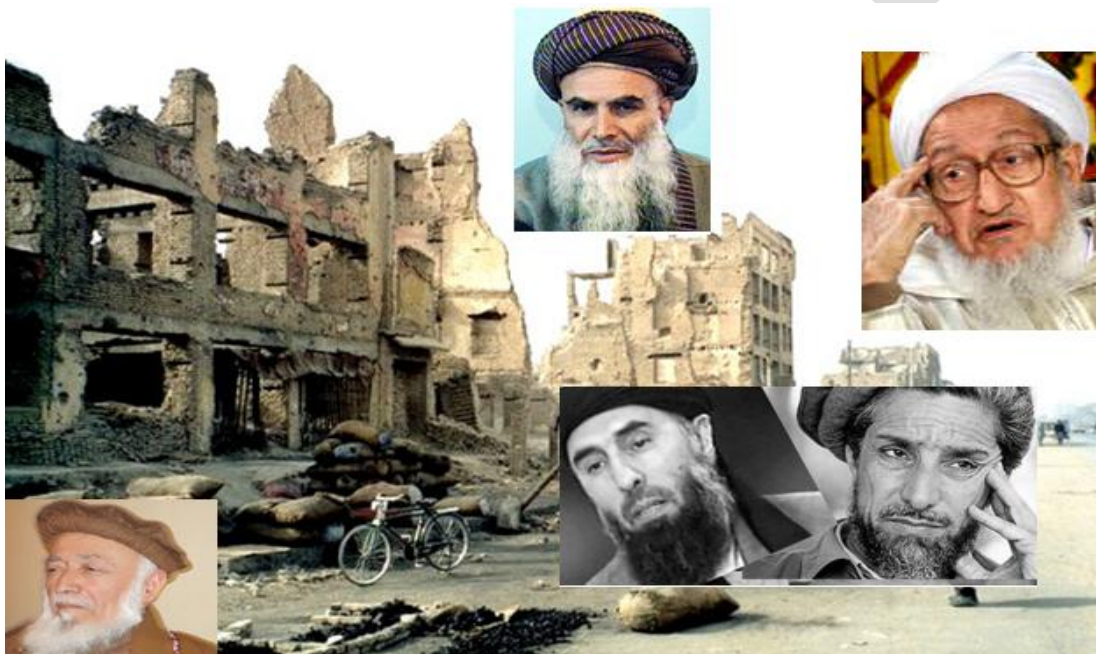
تحقیق و پژوهش: (صبح)



چه میگذرد، آیا میدانی درین شام من؟  
جز زهر غم نریخته، آبی به جام من  
گر من به جز درد ملت عیشی نموده ام  
آسوده يك نفس زده با شم حرام من .  
از کیها بیزارم؟

از آنان که بخدا، به قرآن و به خانه خدا قسم خورده اند و اما به سوگند شان پایبند نمانده اند.  
از آنان که دین را وسیله عیش و نوش قرار داده اند.  
از آنان که با دورنگی عادت دارند.  
از آنان که دست شان بخون بی گناهان آلوده است .  
از آنان که به دروغ، اتهام، دسیسه، توطئه، رنگ و نیرنگ عادت کرده اند.  
از آنان که زیر نام دین، ملیت خواهی، حق طلبی در خدمت سازمانهای جاسوسی قرار دارند.  
از آنان که کور خود و بینای مردم اند.  
از آنان که آزادی را در اسارتگاه بی بند و باری به بند می کشند.  
از تمام آنان که در لغتنامه های ذهنشان بین مظلوم و ظالم علامت تساوی است.  
از آنان که در هر مکانی دم از استقلال و آزادی می زنند اما خود با استقلال و آزادی معامله کرده اند.  
از آنان که درد دلشان را به درد شکمشان فروخته اند.  
از آنان که حضور پول و قدرت را احساس می کنند و نه خداوند (ج) را.  
از آنان که با اعمال شرم آور و ننگین خویش هم نزد مردم شرمنده اند و هم خدا (ج) .

شماری از تنظیم ها با تصویب منشور مصالحه ی ملی به بخشش یکدیگر پرداختند و خواستار مصونیت قانونی شدند. این عده که به مبارزه برحق مردم ما جز خیانت چیزی دیگری نکرده اند و در جنگ های داخلی خون شصت و پنج تا هشتاد هزار کابلی مظلوم را بر روی جاده های کابل ریختند. مردم رنج دیده وطن را از پشت سر خنجر زدند، به یکدیگر کمین گرفتند، پایگاه های یکدیگر را چور کردند، سلاح می فروختند و با پول آن سرمایه می اندوختند و فرزندان شان در پوهنتون های خارجه مشغول آموزش اند. اینان امروز صاحب آرگاه و بارگاه هستند. در اوایل "جهاد" خری نداشتند و در کلبه های گلین زندگی می کردند، اما امروز قطارلندکروزرها سرک و جاده را پر کرده است و بلند منزل ها آباد ساختند و .. با گرفتن اسلحه و مهمات از کشورهای همسایه کشتند، چور کردند، ویران کردند و سوختاندند. ملوک الطوائفی جاده ای را حاکم ساختند و به هدایت خارجیها کابل را سوختاندند و هزاران تن را آواره کردند.



در تعریفی از فساد، آن را منفعت طلبی مقامات رسمی به هزینه منافع عمومی می دانند. اما منافع عمومی، خود مبهم تر بوده، و فساد هرچه باشد، پیامدهای آن موضوعی دیگر است. شاید بهترین رویکرد، تعریف فساد به منزله سوء استفاده از نقش و منابع عمومی برای منفعت خصوصی باشد، البته باید بلافاصله اضافه نمود که عمومی، خصوصی، منفعت و مهمتر از همه سوء استفاده هر کدام جای بحث مفصل دارد. این تعریف جامع و مانع نیست، اما بر ابعاد سیاسی، وجدانی و اخلاقی قضیه، همان گونه که در عمل هم رخ می دهد، تأکید دارد. فساد همواره این سؤال را بر می انگیزد که اشخاص با نفوذ چه طور می خواهند پاسخگو باشند.

معمول ترین شکل فساد رشوه خواری است- چیز های پرارزشی که از سویک شخص حقیقی در مقابل تصمیم، عملا عدم انجام کاری در اختیاریک مقام رسمی قرار داده می شود. اخاذی درارتباط نزدیکی با رشوه خواری قرار دارد، که مقامات رسمی در خواست هدایا و میالغی پول می کنند. اما اشکال زیاد دیگری نیز وجود دارد، مثل دزدی علنی از سوی مقامات .گاهی تشخیص فعالیت های مفسده جویانه از فعالیت های قانونی مشکل است.

تأثیرات منفی فساد بر دموکراسی شامل صدمات اقتصادی - از آن جا که مقامات فاسد به خارج کردن پول از کشور می پردازند، مردم از سرمایه گذاری دلسرد می شوند- و سیاسی است. صدمات سیاسی عبارتند از- رهبران سیاسی اعتبار خود را از دست داده و برای کسب حمایت مردم باید هزینه کنند .

قوانین را، پیشنهاد کنندگان بالاترین قیمت تعیین می کنند، نه نیاز های جامعه .

احساس مسئولیت، اجرای قانون، و عملکرد ادارات بی اعتبار و بی نتیجه می شود .

احزاب سیاسی، تبدیل بهک رشته عملیات پشتیبانی، در خدمت منافع شخصی می گردند .

احکام قضایی را می توان خرید و از راه سیاست دستکاری نمود .

مطبوعات و جامعه غیر نظامی به قدری تضعیف می شود که قدرت نظارت بر اعمال قدرتمندان را ندارد.فساد اداری بیداد میکند، امنیت رو به وخامت می گیرد و دولت در راستای حل مشکلات کشوری عاجز است و برنامه عملی ندارد. شیوع فساد اداری به شکل بی سابقه آن در ادارات دولتی، بروز بد امنی ها و زمینه هی گسترش آن و ناکافی بودن و غیر موثر بودن کمکهی جامعه جهانی و روند بازسازی درکشور. بحران وبد امنی عوامل فساد اداری و حرکت کُند بازسازی ونوسازی ودلیل غیر موثر بودن مساعدتهی جامعه جهانی به کشور که باعث بوجود آمدن روحیه مخالفت علیه نظام و سرانجام منتج به بروز مخالفتهی نظامی می گردد، دولت در زمینه رفع این عوامل کوچکترین اقدام عملی انجام نداده است که با گذشت زمان ساحه فعالیتهی تخریبی تروریستان در ولایات جنوب، جنوبغرب، شرق و شمال کشور توسعه یافته، زمینه ها وانگیزه هی ناراضیتی ومخالفت درسایر ولایات محسوس است، فساد اداری به اوجش رسیده، بازسازی ونوسازی بطور لازم آن با توجه به مبالغ هنگفت به مصرف رسیده انجام نیافته است.

اینان همه زاده ائتلاف های مصلحتی وزود گذراست که به اساس ضرورت ومنافع شخصی وگروپی انجلم میگیرد و هیچکدام نسبت به کشور ومردم کشوردلسوزی وپابندی ندارند.

بلی آقای کرزی! اینان که همین اکنون در پهلوی توبه کرسی قدرت لمیده اند، طی این سالهاوقبل از این جنایات فراوانی را انجام داده اند. مشمت نمونه خروار: خونین نمودن تضاد های ملیتی، مذهبی، سمتی، لسانی و تخم نفاق کاشتن بین ملیت های برادر افغانستان؛ مهاجرت بیش از یک میلیون نفر دیگر و بیجا کردن ده ها هزار فامیل در داخل کشور، غصب زمین، املاک و دارایی های اقلیت هایی که

در ساحه نفوذ قومندانان حاکم قرار داشتند، ویران نمودن کامل پایتخت با قتل شصت و پنج تا هشتاد هزار نفر و چپاول تمام دارایی های مردم و دستبرد به ناموس مردم، پاتک اندازی راه های عمومی و اخذ جریمه، زور پولی، عشروذکات و غیره، از بین بردن هشتاد درصد مراکز صحتی و تعلیماتی و کتاب سوزی های بی نظیر تاریخ؛ پیدایش صد ها هزار بیوه، یتیم و گدا؛ زرع و قاچاق بیش از نود درصد از مواد مخدر جهان؛ مساعد نمودن زمینه به قدرت رسیدن سیاه ترین نیروی تاریخ یعنی "طالبان" و... درین بخش چند مورد را با محاسبات تقریبی ای که صورت گرفته است بطور نمونه، چپاول ترانسفارمرها، سنتشن ها، سب استیشن ها، کیبل ها، ماشین های مونتاژ و غیره ملحقات آن به ارزش پنجاه و هفت میلیون دالرامریکایی که بازسازی آن بیست برابر ارزش مصرفی بیشتری را تقاضا می نماید. چپاول و تاراج لین ها، سویچبوردها، چینل ها، ماشین های اتومات، جنراتورها، رادیو ریلی ها، تیلکس ها، عراده جات، ستلایت ها، امکانات مرکز تربیوی، تعمیر های پستی و غیره به ارزش دوصد و پنجاه و پنج میلیون دالرامریکایی که باز هم اعمار مجدد شان حداقل بیست برابر مصرف بر می دارد.

چپاول و غارت سیلوی کابل، پشیمنه بافی، پولی تخنیک، پوهنتون کابل، اکادمی پولیس، انسنتوت علوم اجتماعی، ترانسپورتهای باربری کاماز، افسوتر، تصدی های باربری مواد نفتی، ترانسورتهای انتقالاتی اردو، پولیس و امنیت دولتی و هوای، کارخانجات جنگلک، کابل فلز، رنگ و مواد کیمیای سازی، کشمش پاکی، کارتن سازی، پلاستیک و اسفنج سازی، افغان ترکانی، بس های شهری و بس های برقی، الکول سازی، یخ سازی، گوگرد سازی، جراب بافی، جاکت بافی، بوت آهو، مسلخ و ده ها کارخانه خورد و بزرگ دیگر به ارزش بیشتر از نوصد میلیون دالر که باز هم اعمار مجدد شان حداقل بیست برابر مصرف بر می دارد. چپاول و غارت دستگاه های برمه، کمپریسورها، وسایل نقلیه، لابراتوار های بزرگ، لابراتوارهای محلی و غیره که مجموع خسارات تنها در مرکز به هزار و پهارصد میلیون دالرامریکایی می رسد.

قطع جنگلات و قاچاق آن به طور متمادی درکنر و نورستان جریان دارد که چهل در صد جنگلات بکلی از بین رفته و روزانه حداقل هزار و هفتصد متر مکعب چوب به پاکستان قاچاق می گردد. علاوه معادن نورستان، پنجشیر و بدخشان به صورت غیر فنی به وسیله تفنگداران منفجر می گردند.

چور، چپاول و تخریب تعمیرهای مکاتب، چوکی، میز، لابراتوار، کتب درسی، مطابع دولتی با تمام لوازم آن، تعمیر های پوهنتون کابل و پولیتخنیک، لیلیه ها، زلزله سنج فاکولته انجینیری، ریاست میخانیک و وزارت فواید عامه واقع چهلستون، سیستم های مراکز آبرسانی و برق، کتابخانه ها به ارزش بیشتر از دوصد و بیست و دومیلون دالر امریکایی که باز هم اعمار شان به بیست برابر مصرف ضرورت دارند. علاوه به نمونه های بالا به ارزش میلیارد ها دالرویرانی، چپاول و غارت شفاخانه

ها، سینما ها، بانک ها، ادارات دولتی، وزارت خانه ها، هتل های دولتی و شخصی، موزیم ها، کتابخانه ها، باغ وحش، پارکها و کارخانه جات بزرگ و کوچک خارج از کابل به اضافه سرک ها، پل ها، بند ها و نهرها بوسیله نیروهای درگیر ویران و به غارت رفته اند که یک محاسبه غیررسمی ارزش این خسارات را یکصدوسی میلیارد دالرامریکایی برآورد کرده و این مبلغ برای کشوری مثل افغانستان چه که برای کشورهای پیشرفته کمرشکن می باشد. درجریان به قدرت رسیدن تنظیم ها دولت مرکزی به وجود نیامد، کابل بین چندین گروه تقسیم و عبورازساحه تحت تسلط هر یک به مرگ منتهی می گشت، هرگروه از خود قانون و مقرراتی داشت که جدا آن را عملی می نمودند، اسیر گرفتن، شکنجه کردن، میخ به سرزدن، درکانتینر ها داغ کردن، ادرارخوراندن، پستان بریدن از عملکردهای روزانه ی گروه های درگیربه حساب می آمد، اردوی ملی به کلی ازبین رفت؛ هیچ اداره ای در کشور فعال نماند؛ سراسر کشور را انارشیزم فرا گرفت؛ اکثر ولایات که تا هنوزبه شکل ملوک الطوائف بوسیله ی جنگ سالاران اداره می گردند میراث همان جنگ های تنظیمی است.

یکی از دردناکترین ویرانی های کابل نابودی مکمل کارخانجات جنگلک است. دهها تعمیرکوچک و بزرگ سوراخ سوراخ و صدها موترو وسایل فلزی تکه تکه شده اند. ازماشین های خورد و بزرگ که تعداد شان به ده ها و صد ها می رسید کوچکترین اثری نمانده است. وقتی درصحن ادارات برباد رفته قدم می گذاری نقش انگشتان هلاکو و چنگیز را بردر و دیوارآن می بینی. جنگ سالاران هیچ شرمی ازین همه گناهی ندارند که درحق مردم روا داشته اند. اگراینان مرتکب هیچ ویرانی دیگری نمی شدند و صرف جنگلک را به این روز می انداختند بازهم سزاوار محاکمه بودند.

آنان ازقهرمانی های خود یاد کرده و خود را مستحق حاکمیت و غمخواران مردم می نامند ودم ازجهاد ومقاومت میزنند، بیانات یکی ازین دستور دهندگان درمجلس به اصطلاح حل وعقد که « ما کابل را ویران کرده خاک آن را به توبره کشیدهیم واگر کدام دیواری باقیمانده باشد کلنگ را گرفته آنرا هم ویران می کنیم» (زیرا خاک کابل نجس شده و ما از خاک پاکستان کابل جدیدی میسازیم) اما آنان کابل را ویران کردند و مگر اعمار نه.



جنگ سالاران باریختن به پایتخت کشور عزت و شرف مردم را پایمال کردند. بر ناموس مظلومین تجاوز کردند، یستان بریدند و میخ بر فرق کوبیدند. دختر جوانی را مجبور کردند که به خاطر حفظ عزت و ابروی خویش از مکروریان های کابل خود را بر زمین پرت کند.

بر کتاب ها شلیک کردند و جشن کتاب سوزی بر پا کردند و موسسات طبع و نشر را بمبارانها جلد کتاب به آتش کشیدند. جنگ سالاران که روابط تنگاتنگی با مافیای مواد مخدر داشته و در قاچاق و ترافیک مواد مخدر دست دارند ازین مدرک به دارایی های افسانه ای رسیده اند. موزیم کشور را غارت کردند، آثار آنرا به جرنیل ها و نصیر الله بابر تحفه دادند و یا هم در بازار های سیاه به حراج گذاشتند. اینان پس از سقوط دولت نجیب، کشور را به خانه پاکستانی، ایرانی، اعراب و ... تبدیل نمودند و با فروختن تضادهای قومی، تخم کینه و نفرت را در میان اقوام کاشتند و کارنامه های خیانت آفریدند.

اینان بقای شان را در تروریزم می بینند، از دهشت افگنی حمایت می کنند، بر دموکراسی باور ندارند، مخالف حقوق بشر هستند، آزادی بیان را معادل کفرگویی می شمارند و زنان را بازیچه و اسباب بازی خانه می بینند. بر حصول قدرت از راه دموکراسی باور ندارند و فقط بر میله ی تفنگ اتکا می کنند. مصروف چور و چپاول ثروت های ملی و کم کم های جامعه جهانی اند، دزدی می کنند، فساد می زایند، اختلاسگرانند، برای حصول قدرت معامله می کنند.

آقای رئیس جمهور! اگر از ویرانی و نابودی سرمایه کشور، به زمان حاکمیت کنونی برگردیم اینان در دولت فعلی نیز کاری خیری را انجام نداده اند.

توسعه روز افزون ناامنی در کشور، باعث نگرانی مردم شده آنان را از روزنه های امید به آینده دور می کند. درگیری های متفرقه در ولایات مختلف، غارت و چپاول شبانه خانه های مردم، زور گویی جنگ سالاران تفنگدار، بی احترامی به افراد روشنفکر و آزاد اندیش و ده ها مورد دیگر، از جمله مسایلی است که برای یکبار دیگر امید رسیدن به صلح و آرامش در کشور را به نقاط کور و مبهم گذشته می برد. این موضوع از يك جهت مردم را وادرا به مهاجرت های داخلی و خارجی کرده و از سوی دیگر باعث عدم بازگشت مهاجرین به کشور می گردد. مهمتر از این مسایل، جامعه جهانی را نسبت به افغانستان بد بین ساخته آنان را نیز از روند کمک به بازسازی دور خواهد ساخت. علت اصلی جنایات و درگیری های اخیر در کشور، حضور تفنگ سالاران در مناصب و پست های کلیدی کشور است تنها راه حل این مساله برکناری احزاب و گروه های جنگ سالار از صحنه قدرت نظامی و سیاسی در افغانستان می باشد.

بر همگان ثابت شده است که دیگر جهاد وجود ندارد و اینان باید به این مهم برسند که استقامت و پافشاری شان براریکه قدرت، غیر از تباهی و سیاهی آینده و تخریب چهره وطن، عاید دیگری نصیب آنان و ملت نخواهد شد. پس بهتر است که در يك اقدام شجاعانه و بدون عذرو بهانه، زمینه به قدرت

رسیدن واقعی مردم را فراهم ساخته سران جنگ سالاربه نفع ملت ازپست های دولتی کنار بروند و تنظیم های خویشرا منحل نمایند.

اکنون که جامعه جهانی عزم جدی بر بازسازی دارد، کاری نکنیم که این عزم به یاس و ناامیدی بدل شود. بیا بید همانگونه که دست های خارجی در تخریب و چند پارچگی کشور نقش اساسی داشتند، امروز که می خواهند جبران کنند، زمینه را برای آنان فراهم نموده بهانه اختلافات درونی آنان در کشور خود نباشیم. ناامنی های موجود، در یک طرف قضیه به سران جهادی برمی گردد و در طرف دیگر به خارجی ها. سران تنظیمی که هر کدام شان از خون فرزندان این مرز و بوم به نوایی رسیده اند، امروز نمی توانند پست ها و مناصب قدرتی را به نفع مردم ترک کنند.

دولتمردان با ایجاد درگیری های کوچک داخلی و عدم ترک قدرت های دست داشته، باعث می شوند تا بهانه ناامنی در کشور را بدست بیگانگان داده آنان را از روند بازسازی به درگیری های جناحی و نظامی بکشانند، که در این میان، فقط و فقط بیشترین آسیب را مردم و آینده کشور می بیند.

جداً اگر خارجی ها قصد و تصمیم جدی بر بازسازی دارند، باید در درجه اول از حمایت احزاب و نیروهای داخلی نظامی سیاسی دست برداشته جامعه مصیبت زده ما را به سوی امنیت و صلح دائمی رهنمون باشند. شاید خارجی ها نمی خواهند صلح دائمی و امنیت کامل را به این زودی در افغانستان ببینند. زیر حمایت های بدون دلیل هر کدام آنان از جنگجویان داخلی و تفنگ سالاران محلی علت اصلی دامن زدن به ناامنی های اخیر در کشور بوده است. بر همه کاملاً روشن و واضح است که بعد از سقوط "طالبان" و با ورود نیروهای ائتلاف به افغانستان، تنظیم ها و تفنگ سالاران محلی جان دوباره گرفته، یکبار دیگر هم از لحاظ تسلیحاتی و هم از جهت مالی تقویت شدند.

که این تقصیر مهم، همچنان بر عهده نیروهای خارجی است. زیرا اگر برخی از همسایگان و کشورهای ذی دخل در امور افغانستان، در زمان حضور "طالبان" و بیرون راندن تمام این ها از کشور، این ها را کمک نمی کردند، امروز شاهد رشد و جان گرفتن دوباره این ها به نفع برخی از خارجی ها و به ضرر مردم کشور نبودیم. بنابراین لازم است تا نیروهای بین المللی در کشور از خود جرات بیشتری نشان داده با جنگجویان و تفنگ سالاران نابخرد، برخورد قاطعانه و جدی نمایند. تا بدین وسیله برای مردم ثابت شود که خارجی ها واقعا قصد بازسازی افغانستان را دارند.

برنامه خلع سلاح در کشور نیز متأسفانه روی مصلحت های زمانی متوقف و یا به کندی هدایت شد، با وجود علاقمندی بعضی از کشورها و پافشاری قدرتهای مطرح در کشور بعد از گذشت سالها نه تنها نافرجام باقی مانده، بلکه به همه ابعاد و جهات آن رسیدگی لازم صورت نگرفت. همانگونه که برخی از منابع بین المللی تصریح میدارند، پروسه کنونی دی.دی.آر به دلایل فراوانی، عرصه دشوار و جنجال آفرینی را در آینده، برای کشور به وجود خواهد آورد. با وجود آنکه مراجع مربوط دولتی

به یاری کشورهای کمک کننده و برنامه توسعه ملل متحد، کارهای معینی را انجام داده اند، اما این امر همه گروه های تفنگدار مسلح را شامل نشده از یکسو بی امنیتی در کشور کاهش نیافته از سوی دیگر، برنامه ملکی سازی و جمع آوری سلاح، با کند یهای فراوان و مقطعی روبرو گردیده است. ازین گذشته آنچه تاکنون انجام شده، به هیچوجه نتوانسته است در تأمین امنیت و کاهش قوتهای های مسلح در سراسر کشور سهم موثری را ایفا کند.

انگونه که منابع بین المللی تاکید میدارند، برنامه خلع سلاح تمام تفنگداران را دربرنگرفته و قوماندانان در ولایات، ولسوالی ها، علاقداری ها و قریجات کشور، برای بقای قدرت خویش و برای حفظ زمینه سوء استفاده از جمله قاچاق مواد مخدره، قاچاق آثار باستانی، قبضه نمودن معادن، املاک دولتی، جنگلات و تصاحب دارایی های ملی و شخصی بیشتر از هر وقت دیگر فعالیتها را به نظر میرسد. آنچه بیش از همه قابل تأمل و اندیشه است اینست که، نه تنها در ریشه کن کردن سیستم و شیوه های قوماندان سالاری و حاکمیت تفنگ کار موثری صورت پذیرفته، بلکه بصورت مستقیم و غیرمستقیم در تقویه پایه های سیاسی و قدرت اقتصادی آنان موثریت روا داشته شده است.

موجودیت سلاح و سلاحداران و سرنوشت حقوق بشر تقویت و تسلط جنگسالاران آدمکش بر زنده گی مردم و موجودیت تفکر بنیاد گرایی و تلاش در جهت تحکیم آن، بر علاوه، استبداد طولانی و تاریخی، نظام مرد سالارانه و پدرسالارانه، از هم گسیختگی تاریخی و اجتماعی، فقر شدید و خانماسوز، جهل و تعصب و دهها عامل دیگر، مانع جوانه زدن ریشه های آزادی و دموکراسی در کشور میگردد. سازمان نظارت بر حقوق بشر گزارش مفصلی را در ارتباط به وضعیت حقوق بشر در کشور، به نشر رسانیده است. درین گزارش سه نوع تخلفات ثبت شده عبارت اند از - تعرض خشونت آمیز جنایی - دزدی مسلحانه، آدم ربایی توسط نیروهای نظامی، پولیس و شعیات استخبارات - تعرض بر مطبوعات و فعالان سیاسی، و نقض جدی حقوق انسانی زنان و دختران. تخلفات علیه اهالی فضای رعب و ترس در اکثر مناطق کشور حکم فرماست.

نیروهای نظامی و پولیس بالای خانه های مردم از طرف شب یورش برده و اهالی ملکی را تاراج مینمایند. آنها به وسایل گوناگون وارد خانه های مردم میشوند، اعضای فامیل را برای ساعتها گروگان میگیرند، با اسلحه تهدید میکنند، اشیای گرانبهای شان را دزدی مینمایند و گاهی به زنان، دختران و پسران فامیل نیز تجاوز میکنند.

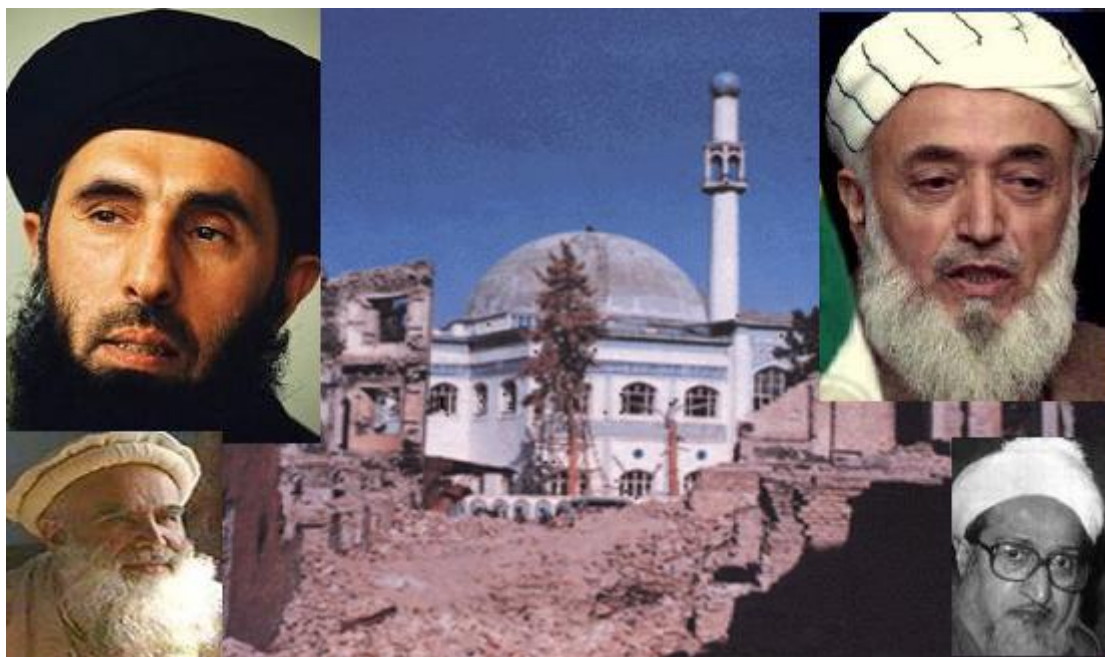
همچنان مواد مخدر یکی از منابع عمده بی ثباتی و ناامنی در کشور است که وسیله جنگ سالاران زرع، جمع آوری و قاچاق میگردد. مواد مخدر نسل سوز و تبااهی آفرین است. مواد مخدر همچون بیماری سرطان تمام ریشه ها و شاخ و برگ های نظم و قانون را در جامعه تضعیف و تخریب میکند. مواد مخدر جامعه را به فساد و تبااهی میکشاند. مواد مخدر با جهل و تروریزم همراهی و هماهنگی دارد



وهریک در همکاری و حمایت متقابل قرار می گیرند. مواد مخدر تروریزم را تقویت میکند چون مافیای تجارت و قاچاق مواد مخدر در بستر بی ثباتی و بد امنی و ضعف نظم و قانون مجال حیات و فعالیت می یابد و تروریزم با وحشت و کشتار این بستر را به مافیای مواد مخدر ایجاد میکند.

آنگاه پاداش خود را از مافیای مواد مخدر می گیرد و از آن تغذیه می شود. آنچه که در مورد معضل و مشکل مواد مخدر در کشور نگران کننده به نظر میخورد افزایش و گسترش تولید و تجارت مواد مخدر علی الرغم شدت وحدت روبه افزایش تبلیغات و برنامه های دولت در مبارزه علیه مواد مخدر در سال های گذشته است. در حالیکه می بایست میان تبلیغات و برنامه های مختلف دولت و تولید مواد مخدر یک نتیجه ی معکوس ایجاد می شد. به این معنی که با افزایش و گسترش فعالیت و برنامه های دولت در مبارزه علیه تولید و تجارت مواد مخدر، در افزایش کشت و تجارت آن کاهش بعمل می آمد. اما چرا تمام تلاش ها و مبارزات دولت علیه مواد مخدر به شکست انجامید و نتیجه ی معکوس داشت؟

هم دولت، امریکایی ها و اروپایی ها به خصوص انگلیسها مبارزه علیه مواد مخدر را بدوش دارند و به گونه ای از این مبارزه صحبت میدارند و با این معضل برخورد میکنند که در آن گنهکار اصلی دهقانان و زارعین تریاک و انمود میشوند. از این رونقطه ی مرکزی نشانه گیری آنها در این مبارزه زارعین تریاک و مزرعه ی تریاک است. پولیس و نیروهای امنیتی دولت به مزارع تریاک هجوم میبرند و تخریب مزارع کوکنار از سوی آنها به تکرار و به تکرار در پرده های تلویزیون دنیا نمایش داده میشود. رئیس جمهور در بزرگترین جلسه ی که در مبارزه علیه مواد مخدر تشکیل شده بود زرع کوکنار را مایه ی شرمساری ملی خواند و اظهار داشت که در ملاقات با خارجی ها وقتی برایش میگویند که افغانستان بزرگترین تولید کننده ی تریاک است از خجالت آب میشود. او با این اظهار خجالت و شرمساری در برابر خارجیها از زارعین و کشت کنندگان تریاک با زبان التماس و تهدید میخواهد که دیگر به کشت تریاک پایان بدهند. اما در این میان آنچه که به فراموشی سپرده میشود و کمتر مورد توجه قرار میگیرد عوامل اصلی زرع و کشت تریاک، تجارت و قاچاق مواد مخدر است.



درفرجام چنین نتیجه گیری میگردد، مردم با درنظرداشت میلیاردها دالر کمک جامعه بین المللی وپشتیبانی وحضورنظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی جامعه جهانی، انتظارات بیشتررا داشته اند وعلیرغم کارهای انجام شده چندان راضی بنظر نمی رسند. دولت باید بیشترازین کاروتلاش می کرد. مشکلات زیادی باقی مانده وحتى بعضی مسایل نه تنها که کاهش نیافته بلکه بطورنگران کننده ی رو به افزایش بوده اند.

دولت درامر مبارزه با مواد مخدر تاکنون موفق نبوده و کشت و قاچاق مواد مخدرهمچنان رو به افزایش بوده است. دولت گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر را نادیده گرفته و تصمیم دارد که این گزارش مهم بفراموشی کامل سپرده شود. رهبران تنظیم ها که گروههای شان آشکارا حقوق بشررا نقض کرده اند با صراحت اعلان کردند که تاکنون کارهای شان سنجیده ودرست بوده وبرکمیسیون حقوق بشربطور تهدید آمیز حمله ورشدند.

دیگر ازجمله کارهای که مردم واقعاً ناراضی اند مسئله بازسازی و کندی روند آن است. پولهای سرسام آوری وارد کشور شده، ولی درقسمت باز سازی کاری چندانی نشده است.

فساد اداری دردستگاه دولت به اوج خود رسیده است. همچنین موسسات غیر دولتی که بخشی از امور بازسازی را برعهده دارند اغلب آنها پولهای مردم فقیر و بیچاره ما را بدون هیچگونه حساب وکنترولی حیف ومیل می کنند و بقول وزیر سابق وزارت پلان رمضان بشر دوست موثرهای آخرین سیستم دنیا و لوکس ترین خانه های کابل را این موسسات از پولهای کمک به افغانستان دراختیار داشته و خوش می گذرانند.

ناامنی و خشونت بیشتر شده و مردم نگرانند. مخصوصاً در سالهای اخیر میزان جرم و جنایت در کشور بالا رفته و بسیار نگران کننده می باشد. گروههای مسلح غیرمسئول در همه جا وجود دارند و تهدید علیه امنیت هستند. پروسه خلع سلاح تکمیل نشده و هنوز تهدیدات و خطراتی در این زمینه وجود دارد. زورگویان از جمله جنگسالاران هنوز قدرت را در دست داشته و بر سرنوشت مردم حاکمیت دارند. فرانسیس وندرل نماینده خاص قبلی اتحادیه اروپا در افغانستان، درسمینار افغانستان در پارلمان فنلاند اظهار داشتند که ما برای جلوگیری از نقض حقوق بشر می خواهیم که ناقضین حقوق بشر و جنگسالاران دیگر بر سر قدرت نباشند، ولی عملاً دیده می شود که جنگسالاران و جنایتکاران جنگی و ناقضین حقوق بشر در قدرت شریک اند و همچنان برای شرکت عده ی دیگر از آنها مانند "طالبان" تلاش بخرج داده می شود. "طالبان" هنوز هم دست از جنایات خود بر نداشته و هر روز به کشور ما زیانهای سنگین جانی و مالی می رسانند و امنیت ملی را به خطر می اندازند.

جنگ هنوز ادامه دارد. تروریستان دو باره تجدید قوا کرده و با حمایت حامیان خارجی شان هر روز فاجعه می آفرینند. این درحالیست که دولت تلاش ورزیده است تا "طالبان" را بخود جلب کند و با نرمی باب مذاکره و تفاهم را با آنها پیش کشیده است، اما "طالبان" گروهی نیست که از میان مردم خود جوش بوجود آمده باشد و منافع ملی و صلح و آرامش مردم این مرز و بوم را خواستار باشند. آنها حاضر شدند تا حکومت خویش را از دست بدهند، ولی تروریست بین المللی اسامه بن لادین را تسلیم نکنند. "طالبان" عوامل وابسته به استخبارات پاکستان و تروریزم بین المللی بوده و مستقلاً قادر به تصمیمی نیستند.

انسان‌های هدفمند و موفق همواره دنبال راهکارهایی می‌گردند تا با سرعت و کیفیت بیشتری اهدافشان را محقق و زنده‌گی زیبایی را برای انسانهای زادگاهش مهیا مینمایند.

هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی لازمه یک زنده‌گی موفق و با نشاط است و افرادی که به دنبال خوشبختی و سعادت می‌گردند قطعاً باید برای رسیدن به این نعمت بیکران، هدفمند و بالانگیزه حرکت می‌کنند.

آرامش و نشاط از اهداف متعالی یک زنده‌گی موفق است که برای رسیدن به آن می‌بایست تاکتیک‌ها و راهکارهای معینی را تدوین و براساس آن یک زنده‌گی آرام و با نشاط را ایجاد نمود.

دانشمندی می‌فرماید:

امروزمان را گذرانیم برای فردا !

و فردایمان دیروزی دیگر

این است بازی پوچ ما انسانها . . .

به داشته هایمان مغروریم و نسبت به نداشته هایمان حسود

بی آنکه به طبیعت وجودی خود پی ببریم

یا حتی ذره ای ذهن خود رابه سمت هدف افرینش سوق دهیم  
این است ذهن خلاق ما انسانها . . .  
از دروغهای دیگران خشمگین میشویم  
و از خشم اطرافیان نسبت به دروغهایمان غمگین  
بی آنکه صدای فریاد درونمان را بشنویم  
بی آنکه به صدای خورد شدن آینه ی صداقت وجود مان گوش دهیم  
این است پاسخ ما انسانها . . .  
از دیگران برای به قدرت رسیدن خود استفاده می کنیم  
و در اوج قدرت فقط غریزه ی شهوت را سیراب می کنیم  
بی آنکه لحظه ای به این بیندیشیم که زمان می گذرد و زمانه نیز به دنبالش  
بی آنکه به نگاه پر از اندوهش نگاه کنیم یا دستهای گرمش را بگیریم  
یا حتی لحظه ای به قطره ی اشکش که آرام و آهسته از عرش به فرش فرود می آید اعتنا کنیم  
و بدانیم که دوست داشتن و یقین کردن به دوست داشته نشدن چه سخت است  
و ما همچنان به دنبال دیروزها امروزها رامی گذرانیم و فرداها را نخواهیم دید.